

- ۱- سیاست‌های آمریکا در غرب آسیا
- ۲- مسائل داخلی رژیم صهیونیستی و مسائل داخلی آمریکا
- ۳- محور مقاومت، حوزه خلیج فارس، اروپا، قفقاز و آسیای میانه
- ۴- موضوعات مربوط به سیاست داخلی و خارجی ایران، برجام، اعتراضات مردمی و رهبری
- ۵- توثیقات منتشر شده از سوی فعالان و مقام‌های سیاسی جهان



از جمله نفتکش‌ها انجام داده‌اند. با گسترش جنگ در غرب آسیا، احتمال اختلال در بازارهای جهانی انرژی افزایش می‌یابد. تنش‌ها در روزهای اخیر قیمت نفت را افزایش داده است و برخی پیش‌بینی می‌کنند در صورت مسدود شدن تنگه هرمز، قیمت‌ها بسیار بالاتر بروند. برخی نگرانند که اسرائیل به زودی بنادر نفتی و سایر تأسیسات ایران را نابود کند. کشورهای حاشیه خلیج فارس که نگران حملات تلافی‌جویانه به سایت‌های انرژی خود هستند، از واشنگتن برای متقاعد کردن اسرائیل برای حمله به اهداف نفتی در ایران لابی می‌کنند. به نظر نمی‌رسد پالایشگاه‌های آسیایی بیش از حد نگران باشند. آن‌ها «مطمئن هستند» که جنگ جریان نفت از خلیج فارس به تأسیسات آن‌ها را مختل نمی‌کند و معتقدند که اسرائیل و ایران «احتمالاً ترجیح می‌دهند آسیای شرقی را در درگیری خود بی‌طرف نگه دارند».

تاکنون تقریباً هیچ کسری با اختلالی وجود نداشته است. جای تعجب نیست که مدیران مواد اولیه، تحلیلگران، پالایشگاه‌ها و معامله‌گران نسبت به جنگ «بی‌تفاوت باشند».

همچنین این احساس وجود دارد که چین به عنوان نیرویی برای ثبات این موضوع عمل خواهد کرد. کشوری که به شدت به کارخانه‌های تشنه نفت برای تقویت اقتصادش متکی است، انگیزه‌های لازم برای حفظ جریان نفت از خلیج فارس را دارد.

زیرا امروز بازی چین، بازی با انرژی است. یکی از مقامات یک «پالایشگاه دولتی چین» گفت: «اگر چین با اختلال جدی در جریان واردات نفت مواجه شود، پکن دست روی دست نخواهد گذاشت.» او اضافه کرد که چین اقداماتی بسیار سخت مانند اقدامات نظامی انجام خواهد شد.

ادامه در صفحه ۲

تحت مدیریت آرامکو سعودی، شرکت نفت دولتی عربستان، آسیب قابل توجهی وارد کرد. تهران که مسئولیت آن را رد کرد، گمان می‌رود که در پشت حملاتی بوده است که از یمن توسط شبهه‌نظامیان حوثی مورد حمایت ایران انجام شده است. علاوه بر این، حوثی‌ها، نیروهای نیابتی ایران، حملات مداومی را علیه کشتی‌های دریایی دریای سرخ،

هیل گوردون چانگ

در بیانیه‌ای که در اول اکتبر توسط تلویزیون دولتی منتشر شد، ارتش ایران متعهد شد در صورتی که آمریکا یا شرکای آن حمایت از اسرائیل را افزایش دهند، به زیرساخت‌های انرژی در غرب آسیا حمله خواهد کرد. در سپتامبر ۲۰۱۹، حملات پهپادها به تأسیسات

۱۲
افشای «طرح پیروزی»
و درخواست
عضویت فوری در ناتو

۱۱
نقطه اشتعال
خشیم چین
بر سر تایوان

۱۰
دو انتخابات
و پیامدهای آن
برای قفقاز جنوبی

حمایت چین از ایران و جنگ خلیج فارس



اماسان آرش عزیزی

یک سال درگیری در غرب آسیا رویکرد سیاست خارجی رهبر ایران را از بین برده است. استراتژی او همیشه غیرقابل قبول بود، اما فروپاشی آن، ایران را به آستانه اولین جنگ بین‌المللی خود از سال ۱۹۸۸ رسانده است. آنچه من دوست دارم دکتربین رهبر بنامم، نزدیکان او آن را «صبر راهبردی» یا بیشتر آن را «بدون صلح، بدون جنگ» نامیده‌اند و بر دوگانگی استوار است که در طول ۳۵ سال قدرت او ثابت مانده است. ایران از هرگونه معامله علنی با اسرائیل امتناع می‌ورزد و در عوض از نابودی دولت یهود می‌گوید و آن را با شبهه‌نظامیان عرب محاصره می‌کند که به دنبال نابودی آن هستند. رهبر در هیچ نقطه‌ای قصد ندارد وارد درگیری مستقیم با اسرائیل یا آمریکا شود، زیرا به خوبی می‌داند که چنین رویارویی می‌تواند برای نظام او کشنده باشد.

رهبر یک متعصب واقعی است. او نابینا یا نادان نیست، بلکه بصیر و عمل‌گراست. به نظر می‌رسد او پذیرفته که رویای وی برای نابودی اسرائیل در زمان حیاتش محقق نخواهد شد، اما از نظر ایدئولوژیکی به آن به عنوان یک هدف بلندمدت برای اسلام‌گرایان در طول نسل‌ها متعهد است.

رهبر می‌داند که جهان بینی افراطی او در میان اکثر ایرانیان و حتی در میان بسیاری از نخبگان حاکم کشور محبوبیت ندارد و بنابراین، تعادل نهادی را در میان جناح‌های مختلف سیاسی جمهوری اسلامی تنظیم می‌کند و از رقابت میان آن‌ها برای به دست آوردن فضای تنفس در مواقع ضروری استفاده می‌کند، اما هرگز از اهداف خود تزلزل نمی‌کند.

از دیدگاه بسیاری از ایرانیان، سیاست‌های رهبر فاجعه‌بار بوده و باعث انزوای بین‌المللی، ویرانی اقتصادی و سرکوب سیاسی شده است.

حمله ۱۷ اکتبر به اسرائیل و جنگ غزه در ابتدا هدیه‌ای به رهبر بود. این درگیری احتمال نزدیکی عربستان با اسرائیل را از بین می‌برد و آنچه را که اسرائیلی‌ها «دایره روبه‌رشد صلح» خود با کشورهای عربی نامیده بودند، مختل می‌کند. اما یک سال بعد، دکتربین رهبر هرگز ضعیف‌تر از این به نظر نمی‌رسید.

ibit.ly/uaP2C

که برای شش سال متوالی بیش از هر کشور دیگری در تاریخ نفت خام تولید می‌کند.

در نتیجه رونق انرژی آمریکا، این کشور یکی از تأمین‌کنندگان عمده نفت خام برای کره جنوبی است. در ماه آگوست، این کشور دومین تأمین‌کننده بزرگ نفت بوده است.

با این حال، موقعیت آمریکا به عنوان یک صادرکننده انرژی توسط کسانی که می‌خواهند حفاری را محدود یا متوقف کنند، تهدید می‌شود. نکته قابل توجه این است که وزارت نیرو اکنون صدور مجوز برای صادرات گاز طبیعی را متوقف کرده است.

طبق نظر برخی از کارشناسان، آمریکا به اصلاحات مجوز نیاز دارد تا بتواند تأسیسات و زیرساخت‌های مورد نیاز را برای پاسخگویی به نیازهای آمریکایی‌ها و متحدان و شرکای آن در نقاط دیگر و از جوانب دیگر در آسیا ایجاد کند. زمانی که شی جین پینگ انرژی را کنترل کند، شب بسیار تاریکی برای دوستان آمریکا و حتی کل جهان در انتظارشان خواهد بود.

<https://tinyurl.com/26f999t7>

ژاپن به ویژه آسیب‌پذیرتر است. وزارت اقتصاد، تجارت و صنعت این کشور گزارش داد که این کشور در هشت ماهه نخست سال جاری بیش از ۹۶ درصد از واردات نفت خام خود را از خلیج فارس تأمین کرده است. به گفته برخی تحلیل‌گران این شروع یک جنگ انرژی است و چین به دنبال کنترل کلید انرژی جهان است.

چین چگونه می‌تواند این کار را انجام دهد؟ با جلب حمایت همه تولیدکنندگان بزرگ منطقه، یعنی خلیج فارس و ایران.

رهبران چین با امضای ۴۰۰ میلیارد دلار «توافقنامه مشارکت استراتژیک» ۲۵ ساله با ایران در سال ۲۰۲۱، میانجی‌گری توافقی بین ماجرای دیرینه ایران و عربستان در سال ۲۰۲۳ و متحد کردن ۱۴ جناح فلسطینی با خودش، گام‌هایی در این مسیر برداشته است.

از طرف دیگر آمریکا علاقه خود را به منطقه از دست داده است، زیرا در سال‌های اخیر این کشور پیشرو در تولید انرژی در جهان بوده است. آمریکا، همانطور که اکنون نامیده می‌شود، «عربستان جدید» است

چین تاکنون دچار اختلال در عرضه نفت نشده است. این کشور در سال گذشته حدود ۹۰ درصد از صادرات نفت خام ایران را به خود اختصاص داد. به گفته اداره کل گمرک چین، در بازه زمانی ژانویه تا آگوست، چین ۵۴ درصد نفت خام خود را از غرب آسیا به دست آورده است.

متأسفانه چین منبع ثبات منطقه نیست. پکن در ماه آگوست علناً ایران را تشویق کرد تا علیه اسرائیل انتقام بگیرد، این کشور از جناح‌های فلسطینی حمایت می‌کند و از حملات ایران حمایت دیپلماتیک و تبلیغاتی می‌کند. این کشور علاوه بر خود ایران، به حماس، حزب‌الله و حوثی‌ها نیز سلاح می‌رساند. ایران می‌تواند جنگ علیه دولت یهود را تا با حمایت پکن ادامه دهد.

واشنگتن اکنون باید نگران این موضوع باشد. ژاپن و کره جنوبی، دو متحد آمریکا و اهداف دیپلماتی چین در سال‌های اخیر، از خریداران بزرگ انرژی غرب آسیا نیز هستند. چهار تا از پنج تأمین‌کننده بزرگ نفت خام کره جنوبی، عربستان، امارات، عراق و کویت هستند.

آمریکا باید روش خروج از عراق را بیاموزد

آمریکا اسرائیل را تحریک می‌کند؟

نیوزویک

دنیل دپتریس |

حمله ایران به منظور انتقام گرفتن از قتل حسن نصرالله و یک ژنرال ارشد ایرانی توسط اسرائیل، آسیب چندانی به زیرساخت‌های نظامی دولت یهود وارد نکرد. در بیشتر موارد، سیستم پدافند هوایی اسرائیل، با کمک کشتی‌های نیروی دریایی آمریکا مستقر در شرق مدیترانه، موشک‌ها را قبل از فرود خنثی کرد.

با این حال، چندین موشک از شبکه ضد موشکی اسرائیل گذر کردند. تصاویر ماهواره‌ای گرفته شده در روز پس از حمله ایران، نقاط برخورد متعددی را در پایگاه هوایی نواتیم، در عمق صحرای نقب نشان می‌دهد. مقامات دفاعی آمریکا احتمالاً در آخر هفته هنگامی که از استقرار یک باتری دفاعی منطقه‌ای ترمینال در ارتفاع بالا (تاد) به همراه یک خدمه ۱۰۰ نفری آمریکایی برای تقویت دفاع اسرائیل خبر دادند، برخی از این تصاویر را در ذهن داشتند.

تاد یک پلتفرم پدافند هوایی بسیار پیشرفته است که می‌تواند موشک‌های میان برد را، بالاتر و فراتر از آنچه که سیستم علامت تجاری پاتریوت آمریکا می‌تواند انجام دهد، رهگیری کند. در هر زمان تنها ۹ باتری تاد در دسترس است، بنابراین، این واقعیت که یکی از آن‌ها به سرعت به اسرائیل منتقل شد، نشان می‌دهد که دولت بایدن تا چه اندازه نگران تشدید خصومت‌ها با ایران در روزها و هفته‌های آینده است.

ارسال یکی از موثرترین تسلیحات پدافند هوایی آمریکا برای یک شریک در زمان نیاز منطقی است. هیچ کس نمی‌خواهد شاهد مرگ غیرنظامیان اسرائیلی باشد. دولت اسرائیل به وضوح می‌تواند از این کمک استفاده کند. سیستم تاد مقداری از بار حملات را جبران می‌کند.

در حالی که اعزام ۱۰۰ نیروی آمریکایی به اسرائیل ممکن است در طرح کلان چیزها مهم به نظر نرسد، در حال حاضر حدود ۴۳ هزار سرباز آمریکایی در غرب آسیا فعال هستند. ما باید به یاد داشته باشیم که اسرائیل در هفت جبهه مختلف در حال جنگ است.

ibit.ly/7HZxv3



عراق دارای زیرساخت‌های سیاسی با ثبات‌تر و انواع نیروهای امنیتی توانمند است، اما تهدید ناشی از نیروهای بسیج مردمی شبهه‌نظامی اوضاع را پیچیده می‌کند. عقب‌نشینی مؤثر مستلزم یک عملیات لجستیکی هماهنگ شده است، زیرا آمریکا حضور نظامی پیچیده خود را در عراق حفظ کرده است. پایگاه‌هایی مانند BIAP بر ایمن‌سازی تجهیزات حساس و حفظ کنترل هاب‌های استراتژیک تمرکز خواهند کرد. یک رویکرد مرحله‌ای، تخلیه مناطق در معرض خطر را برای محافظت از پرسنل و دارایی‌ها در اولویت قرار می‌دهد. نیروهای باقی مانده در مراکز کلیدی برای مدیریت تدارکات و دفاع تجمع خواهند شد. خروج از عراق و لغو مجوز استفاده از نیروی نظامی مستلزم جدایی کامل از این کشور است. سیاستگذاران آمریکا باید در تعاملات نظامی خود در عراق تجدید نظر کنند و بر حفظ نیروها و منافع امنیت ملی تمرکز کنند. این تغییر، امکان تنظیم مجدد اولویت‌های سیاست خارجی و راه‌حل‌های درست پایدار را فراهم می‌کند.

<https://shorturl.at/1Z6Xn>

و آزادسازی تمامی مناطقی را اعلام کرد که قبلاً در اختیار شبهه‌نظامیان بود. با این حال، این مأموریت پایدار در حال حاضر توسط عموم مردم آمریکا نادیده گرفته شده است. این مأموریت شبیه به روش جدید آمریکا برای ایجاد جنگ است که توسط نیروهای متعهد پنتاگون رهبری می‌شود. مجوز استفاده از نیروی نظامی (AUMF) در سال ۲۰۰۲ به بوش اجازه داد تا به عراق حمله کند و صدام را برکنار کند، اما این روش منسوخ شده و از نظر قانونی و عملیاتی بی‌فایده است. مجوز استفاده از نیروی نظامی که دشمنان کلیدی مانند صدام حسین را هدف قرار می‌داد، لغو شده و عملیات نظامی کنونی در غرب آسیا به این مجوز نیاز دارد. دولت بایدن لغو این موضوع را تایید کرده است و تلاش‌های مختلف برای لغو، حمایت اکثریت را در کنگره به دست آورده است. لغو این مجوزها نشانه تغییر به سمت احیای لغو این مجوزها همچنین فرصتی را برای قانونگذاران ایجاد می‌کند تا به سیاست‌های منسوخ شده رسیدگی کنند و از نظارت مناسب در عملیات نظامی آینده اطمینان حاصل کنند.

فارن پالیسی ریداسمیت |

آمریکا در حال آماده شدن برای خروج از عراق است و ۲ هزار و پانصد سرباز آمریکایی قرار است طی دو سال آینده در دو مرحله از عراق خارج شوند و این نشان دهنده پایان مأموریت ۱۰ ساله ضد دولت اسلامی آمریکا است. پنتاگون با بیان اینکه تغییر به سمت تلاش‌های دیپلماتیک و به اشتراک گذاری اطلاعات، آسیب‌پذیری‌های آمریکا را کاهش می‌دهد و روابط بادوام‌تری را تقویت می‌کند، این موضوع را توجیه کرد. جنگ عراق تأثیر قابل توجهی بر فرهنگ، سیاست و حافظه جمعی آمریکا داشته است. اولین جنگ خلیج فارس با بمب‌های هدایت شونده دقیق و موشک‌های پاتریوت، مخاطبان آمریکایی را مجذوب خود کرد و برتری تکنولوژی یک ارتش آمریکا را به نمایش گذاشت. جنگ عراق منجر به کشته شدن بیش از ۴ هزار نظامی آمریکایی و صدها هزار عراقی شد. ظهور دولت اسلامی در سال ۲۰۱۴ منجر به بازگشت به عراق شد. سه سال بعد، حیدر العبادی، نخست‌وزیر عراق پیروزی بر دولت اسلامی در عراق

اسرائیل باید پروژه هسته‌ای ایران را نابود کند

جنايتكار آيت‌الله‌ها رهايي بخشد و بنگاه شيطاني هسته‌اي را كه روي آن كار مي‌كند، نابود كند.

به همين دليل است كه در روزهاي اخير صدهاي زيادي در اسراييل شنيده شده كه آن‌ها را تشويق مي‌كند و در واقع خواستار حمله دولت به تاسيسات هسته‌اي ايران مي‌شود.

بمب ايران سايه‌اي تاريخ و تهديدآمیز بر جهان مي‌افكند، باعث بي‌ثباتي مي‌شود، محور روسيه-چين-ايران را تقويت مي‌كند و باعث جنگ جهاني سوم مي‌شود كه در آن خود آمريكا مورد حمله قرار مي‌گيرد.

نتايج يك حمله موفقيت‌آمیز منجر به سرنگوني نظام آيت‌الله‌ها و استقرار يك نظام خيرخواه در ايران، آرامش در غرب آسيا و شكسته شدن محور شرارت روسيه-ايران-چين خواهد شد.

دونالد ترامپ، احتمالاً از اين اقدام استقبال خواهد كرد.

ibit.ly/xElj9



اسرائيل، فرصت‌هاي جديدي را ايجاد مي‌كند كه تا چند هفته پيش كاملاً غيرقابل‌تصور بود.

فرصتي پيش آمده است كه قبل از جنگ هيچ كس به‌طور واقع‌بينانه به آن فكر نكرده بود تا سر اخطاپوس را بريده و مردم ايران را از دست نظام

سوم، «مسير صلح» را براي «كشورهاي آستانه» با گرايش به محور شرارت مانند تركيه حفظ مي‌كنند.

اما فراتر از تغيير ساختار قدرت منطقه‌اي، مهم‌ترين پيامدها مربوط به نظام پليد آيت‌الله‌ها و محور ايران، روسيه و چين است. موفقيت

جروزالم پست روث آبرامزون

نگاهي به گزارشي بيندازيم كه هفته گذشته از رويترز منتشر شد و در آن آمده بود كه حزب‌الله اكنون بدون توجه به توقف جنگ عليه حماس، خواستار آتش‌بس است.

اعلاميه حزب‌الله در تضاد كامل با سياسي است كه از ۱۸ اكتوبر سال گذشته اعلام کرده بود و تنها در پس زمينه شكست نظامي اين سازمان است. فراتر از اين واقعيت كه حلقه آتش ايران در اطراف اسراييل شكسته شد، موفقيت‌هاي اين رژيم در مقابل حزب‌الله پيامدهاي چشمگيري در چندين سطح دارد.

پس از اشغال طولاني مدت حزب‌الله مردم لبنان و همه منابع معيشتي آن، فرصتي عظيم براي دولت لبنان ايجاد مي‌كند تا ثبات ايجاد كند. دوم، آن‌ها عامل تثبيت‌كننده در نظام‌هايي مانند اردن و مصر هستند.

جنگ پنهان اسراييل

در کرانه باختری و جنگ چندجانبه به‌طور گسترده‌تر حمايت مي‌كند، تكيه دارد. سؤال اين است كه آيا فشار خارجي مي‌تواند نتانياهو را به تغيير مسير وادار كند؟ حمايت تقريباً بي‌قيود شرط واشنگتن از اسراييل، حتي با گسترش شهرک‌سازي‌ها در کرانه باختری، به مصونيت از مجازات شهرک‌نشينان تندرو در سرزمين‌هاي اشغالي و نفوذ فزاينده آن‌ها در نهادها و سياست اسراييل کمک کرده است.

در حال حاضر، تشديد جنگ در لبنان و همچنين عزم اسراييل براي مقابله به مثل در برابر حملات ايران، اختلافات مربوط به کرانه باختری را پنهان مي‌كند؛ اما اين تفاوت‌هايک خط گسل بحراني را تشكيل مي‌دهند. اگر راست افراطي پيروز شود، همان‌طور كه در حال حاضر محتمل به نظر مي‌رسد، اسراييل همچنان به خلع يد فلسطيني‌ها از مناطق وسيعي از کرانه باختری و ساخت شهرک‌هاي بيشتر ادامه خواهد داد و با الحاق مقطعي كه اسموتريچ رهبري کرده است، پيش خواهد رفت.

twttr.to/d8Bg



آتش بس حمايت کرده و خود را با دولت بايدن هم‌سو مي‌كند. گالانت و ديگران آشکارا از نتانياهو انتقاد مي‌كنند كه نتوانست پاياني براي جنگ غزه ارائه كند كه جايگزيني واقع‌بينانه براي حكومت حماس ارائه دهد.

دولت نه به نهادهاي امنيتي و نه به معترضان در خيابان‌ها گوش نمي‌دهد، بلكه به پايگاه قوي خود كه از رويكرش

فلسطيني را پس از اينكه بر روي زمين دراز كشيده بود و بر اثر انفجار زخمي شده بود، اعدام كرد.

اين درگيري نه تنها به جابه‌جايي‌هاي راست‌گرا افراطي در کرانه باختری بلكه به معضل اسراييل در مورد اينكه با غزه چه كند نيز مربوط مي‌شود. نهاد امنيتي به رهبري يوآو گالانت، وزير دفاع، ماه‌ها از قرارداد گروهان گيري و

فارن افروز مايراف زونسزاین

در ماه آگوست، رونن بار، رئيس سرويس امنيت عمومي اسراييل (شين بيت) نامه‌اي قابل توجه به بنيامين نتانياهو، نخست‌وزير و وزراي كابينه اسراييل نوشت. اين نامه در اسراييل يا خارج از آن توجه چنداني به خود جلب نكرد، اما به قلب بحراني مي‌پردازد كه از زمان حمله حماس در ۱۷ اكتوبر ۲۰۲۳ به اين کشور مبتلا شده است.

خط گسل بين نهادهاي امنيتي و راست‌گرا افراطي را مي‌توان به ماجرای الور آزاريا (در ۲۴ مارس ۲۰۱۶، الور آزاريا، يك سرباز ارتش اسراييل در حالي كه عبدالفتاح الشريف، يك فلسطيني در محله تل روميادا در الخليل مجروح شده بود، به سرش شليك كرد. الشريف يك سرباز اسراييلي را با چاقو زد. آزاريا دستگير شد و پليس نظامي اسراييل تحقيقاتي را عليه او به اتهام قتل آغاز كرد، اما بعداً اتهام را به قتل عمد تقليل داد) در سال ۲۰۱۶ رد يابي كرد، زماني كه آزاريا، يك سرباز ارتش اسراييل در شهر اشغالي الخليل، يك مهاجم

معاهده جدید روسیه و کره شمالی چقدر اهمیت دارد؟

که ناشی از کنار گذاشتن ابزارهای دیپلماتیک توسط آمریکا است. دهه گذشته دستاوردهای دیپلماتیک چندجانبه در شمال شرق آسیا به دلیل ترجیح دولت بوش برای اجبار بر توافقات معتبر از بین رفته است. دولت‌های اواما، ترامپ و بایدن هیچ خرد یا توانایی راهبردی برای تجزیه و تحلیل درس‌های آن دهه یا ایجاد چارچوب سیاست عملی نشان نداده‌اند و نه با مداخله و نه با اقدامات دیپلماتیک کاری از پیش نبرده‌اند. برنامه تسلیحات هسته‌ای کره شمالی و ازتقاء نظامی روسیه احتمالاً به تهاجم روسیه کمک می‌کند. بازنگری عمیق در مفروضات، چارچوب‌های استراتژیک و سیاست‌های آمریکا در قبال شمال شرق آسیا ضروری است. تحریم شدید علیه کره شمالی بی‌اثر و معکوس است و از همه توافقات هاجلوگیری می‌کند. جنگ کره باید به‌عنوان بخشی از روند کاهش تنش‌ها گسترده‌تر پایان یابد.

<https://shorturl.at/2o4Iz>



نگرش سختگیرانه غرب را نسبت به هر سه کشور شمال شرقی تغییر نداده است. ابراز همبستگی و عزم جدید برای مقاومت در برابر انزوا و تحریم‌های آمریکا و غرب، آخرین تحولات منفی دو دهه اخیر برای ثبات و امنیت است

آینده قابل پیش‌بینی به کمک و حمایت سیاسی چین نیاز داشته باشد. این تهاجم تحریم‌های آمریکا و اروپا علیه روسیه را گسترش داده و هشدارهای جدیدی را به چین و کره شمالی درباره کمک نظامی برانگیخته است، اما با این حال، این

نشانی اینترنتی استفان کاستلوا

معاهده دفاعی متقابل بین روسیه و کره شمالی که در تاریخ ۱۹ ژوئن امضا شد، ارتقای قابل توجهی در روابط آن‌ها است و یک مشارکت استراتژیک جامع را ایجاد می‌کند. این معاهده عبارت از معاهده ۱۹۶۱ بین اتحاد جماهیر شوروی و کره شمالی است که آن را تکرار می‌کند، اما شرایط جدیدی مانند پیروی از قوانین روسیه و کره شمالی و احترام به ماده ۵۱ منشور سازمان ملل را اضافه می‌کند. هم کیم جونگ اون و هم ولادیمیر پوتین بر ماهیت دفاعی این پیمان تأکید کرده‌اند. حمله به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ قدرت نظامی روسیه را تحلیل برده، اقتصاد این کشور را مختل کرده و آن را در بین کشورهای غربی منزوی کرده است. روسیه حتی از سوی همسایه فقیر خود طلب کمک می‌کند. این کشور از همه جهات به جز زادخانه هسته‌ای خود از چین عقب افتاده است و این امر باعث می‌شود در

فرزندان پوتین

میلیون‌ها جوان شگفت‌انگیز در کشور وجود دارند که سیاست‌های غیرطبیعی پوتین رانمی‌پذیرند و از جنگ وحشت‌زده شده‌اند: آن‌ها می‌دانند که از آن‌ها خواسته می‌شود برای وطن خود بمیرند تا برای آن زندگی کنند و به آن‌ها آموزش می‌دهند که از همسایگان‌شان به جای دوستی با آن‌ها متنفر باشند.

اگرچه روس‌های جوان‌تر هنوز از «عملیات نظامی ویژه» حمایت می‌کنند، اما به میزان کمتری نسبت به هم‌تایان قدیمی‌تر خود این کار را انجام می‌دهند: برای مثال، در ماه جولای، مرکز لوادا دریافت که ۸۰ درصد از پاسخ‌دهندگان که ۵۵ سال یا بیشتر داشتند از اقدامات ارتش روسیه حمایت کردند، در حالی که تنها ۶۶ درصد از افراد بین ۱۸ تا ۲۴ سال از آن‌ها حمایت کردند.

در اینجا چیزی غیرقابل انکار است: تغییر نسل در روسیه به‌طور خودکار فضای سیاسی این کشور یا شخصیت رهبری آن را تغییر نخواهد داد. این مسئله خیلی ساده خواهد بود.

twtr.to/6Kisf



اگر نسل جوان روسیه به حضور فرزندهای در نمایش‌های میهن پرستانه دولت تبدیل شده است، در حال حاضر به‌طور قابل توجهی از اقدامات مقاومت اجتناب کرده است. بازیگران، نویسندگان و هنرمندان

بازارگران، نویسندگان و هنرمندان

فاران افروز آندری کولسنیکوف

بیش از دو سال و نیم پس از آن که ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه «عملیات نظامی ویژه» خود را در اوکراین آغاز کرد، تأثیرات نامتناسب آن بر جوانان روسی آشکار شده است. در خانه، جوانان با تلقین‌های فراگیر و محدودیت‌های بیشتری در آزادی خود مواجه هستند. بسیاری سعی می‌کنند خود را از این واقعیت جدید منحرف کنند، بدون اینکه زیاد به آن توجه کنند. تعداد بسیار کمی که ناراضیاتی خود را آشکارا ابراز می‌کنند یا کارهایی مانند آتش زدن یک مرکز استخدام نظامی انجام می‌دهند با وجود سن کم، گاهی با مجازات‌های شدید زندان مجازات می‌شوند.

خود جنگ به حکومت دلیل جدیدی برای پرورش جوانانش داده است. روسیه به سربازان، متخصصان فناوری اطلاعات، کارگران مجتمع نظامی-صنعتی خود و نسلی در حال ظهور و فرمان‌بردار نیاز دارد که در کتاب‌های درسی جدید به تاریخ ساده‌شده و بدخواهانه تلقین شده است.

مشکل کامالا هریس با کاتولیک پسنیلوانیا

او بعد از قانون برابری حمایت کرد. اگرچه جو بایدن در مورد مسائلی مانند سقط جنین و ازدواج همجنس گرایان خود را با کلیسای کاتولیک متقابل دید، ریشه‌ها و آشنایی او با فرهنگ اسکرانتون به این معنی بود که او می‌توانست بر آن غلبه کند. در سال ۲۰۲۰ پیومتوجه شد که برنده آرای ملی کاتولیک‌ها، ۵۰ درصد به ۴۹ درصد است که هیلاری کلینتون در سال ۲۰۱۶ شکست خورد. این به او کمک کرد تا پسنیلوانیا را به سمت دموکرات‌ها تغییر دهد و در انتخابات پیروز شود. امروزه چشم‌انداز بیشتر شبیه سال ۲۰۱۶ است تا ۲۰۲۰. نظرسنجی پیونشان می‌دهد که هریس با ۴۷ به ۵۲ درصد، از ترامپ در میان کاتولیک‌های سراسر کشور عقب است.

<https://B2n.ir/z81350>

یک مقام دولتی مدت‌ها از قدرت دولتی استفاده کرده است تا افراد با ایمان را وادار به تجاوز به وجدان خود کند، به‌ویژه در مورد سقط جنین و ایدئولوژی جنسیتی. هریس به‌عنوان دادستان کل کالیفرنیا، در مخالفت با معافیت‌های مذهبی برای کارفرمایان خصوصی مانند Hobby Lobby و سازمان‌های غیرانتفاعی مذهبی مانند Little Sisters of the Poor نامه‌ای را امضا کرد. او گفت که «مفتخر» است که «قانون حقایق باروری» کالیفرنیا را حمایت کرده است که مراکز حاملگی حامی زندگی را مجبور می‌کند تا اطلاعاتی را در مورد مکان‌هایی که زنان می‌توانند سقط جنین کنند را به نمایش بگذارند. دیوان عالی در سال ۲۰۱۸ این قانون را به‌عنوان نقض احتمالی اصلحیه اول رد کرد.

ام اس ان بی سی ریچارد هاسن

کمتر از چهار هفته پس از انتخابات، فرماندار دموکرات میشیگان کمکی به کارزار دونالد ترامپ کرد. در انتخاباتی که در آن کامالا هریس و دونالد ترامپ در میانگین نظرسنجی RealClearPolitics برای هفت ایالت نوسانی، کمتر از نیم امتیاز از یکدیگر فاصله دارند، مهم بودن این انتخابات را نشان می‌دهد. در مهم‌ترین آن‌ها، پسنیلوانیا، آخرین میانگین RCP را نشان می‌دهد که ترامپ با ۴۸٫۳ درصد به ۴۷٫۹ درصد پیش‌تاز است. مشکل هریس این است که ۳۰ درصد از رأی دهندگان این ایالت کاتولیک هستند. کریستن واگنر، مدیر عامل اتحاد دفاع از آزادی که از آزادی مذهبی محافظت می‌کند، می‌گوید: «کامالا هریس در طول دوران حرفه‌ای خود به‌عنوان

چرا زنان سفیدپوست طبقه کارگر نقش مهمی در انتخابات ۲۰۲۴ دارند؟



سی ان ان رونالد براونشتاین

یک نقطه ضعف آشکار در دیوار حمایتی هولناکی که کامالا هریس، معاون رئیس جمهور در میان رأی‌دهندگان زن ساخته است، وجود دارد؛ و این افتتاحیه ممکن است نشان دهنده بهترین شانس دونالد ترامپ، رئیس جمهور سابق آمریکا برای به دست آوردن آرای ایالت‌هایی باشد که احتمال دارد در رقابت انتخاباتی ریاست جمهوری تصمیم بگیرند.

حتی زمانی که ترامپ در رقابت‌های ریاست جمهوری ۲۰۱۶ و ۲۰۲۰ با گروه‌های دیگر زنان دست‌وپنجه نرم می‌کرد، نظرسنجی‌های خروجی و تحلیل‌های دیگر نشان می‌داد که او هر بار در میان زنان سفیدپوست بدون تحصیلات دانشگاهی پیش‌تاز بزرگی را به دست می‌آورد. این زنان سفیدپوست طبقه کارگر به‌عنوان یک عامل مهم و بالقوه حتی تعیین‌کننده در سومین نامزدی ترامپ برای کاخ سفید ظاهر می‌شوند. این تا حدی به این دلیل است که نظرسنجی‌ها نشان می‌دهند بسیاری از آن‌ها بین بی‌اعتنایی شخصی به ترامپ و نارضایتی از نتایج ریاست جمهوری جو بایدن، به‌ویژه در مورد تورم و مرزها، سرگردان هستند؛ اما همچنین به این دلیل است که این زنان به‌ویژه در سه ایالت «دیوار آبی» سابق که همچنان محتمل‌ترین مسیر هریس برای پیروزی کالج انتخاباتی را تشکیل می‌دهند، فراوان هستند: «میشیگان، پسنیلوانیا و ویسکانسین». هریس برای پیروزی در این ایالت‌ها که هر روز در آن‌ها طوفان می‌کند، مجبور نیست حمایت اکثر آن زنان

زنان سفیدپوست طبقه کارگر تأثیر بگذارد. تا به امروز، برخی از دموکرات‌ها معتقدند یکی از دلایل کلیدی که کلینتون در سال ۲۰۱۶ ایالت‌های دیوار آبی سابق را از دست داد، این بود که بسیاری از این زنان با یک رئیس جمهور زن ناراضی بودند، به‌ویژه در مورد مسائل امنیتی.

بر اساس نتایج منتشر نشده، ارائه‌شده توسط گالوپ، زنان سفیدپوست بدون مدرک دانشگاهی، بیشتر از هریس به‌عنوان یک رهبر قوی و فردی که در یک بحران قضاوت خوبی از خود نشان می‌دهد، معرفی می‌کنند. گالوپ دریافت که نه تنها زنان سفیدپوست تحصیلکرده دانشگاهی، بلکه مردان سفیدپوست مشابه نیز بسیار بیشتر از زنان نظرات مثبت در مورد هریس و دیدگاه‌های منفی درباره ترامپ ابراز می‌کنند.

<https://B2n.ir/a14252>

را به دست آورد، دموکرات‌ها تقریباً هرگز این کار را نمی‌کنند؛ اما او باید با آن‌ها رقابت کند. سلیندا لیک استراتژیست سیاسی حزب دموکرات در آمریکا گفت: «آن‌ها واقعاً از ترامپ خسته شده‌اند و واقعاً دوست دارند ادامه دهند، اما در مورد ادامه راه نیز عصبی هستند و فکر می‌کنند که اقتصاد برای آن‌ها در دوران ترامپ بهتر بود». لیک در مورد هریس گفت: «آن‌ها دوست دارند که همه را دور هم جمع کنند، آن‌ها همدلی او را دوست دارند؛ اما آن‌ها احساس نمی‌کنند که او را به خوبی می‌شناسند». لیک گفت: «مجموع این انگیزه‌های متناقض این است که آن‌ها واقعاً خسته شده‌اند». آن‌ها در مورد این انتخاب‌ها احساس ناامنی می‌کنند. سخت‌ترین سؤال برای دموکرات‌ها این است که جنسیت هریس چگونه می‌تواند بر تصمیمات این

پایان سلطه جهانی آمریکا فرصت برای این کشور است!



هیل

اندرولانتم!

دوران هژمونی آمریکا که از سال ۱۹۴۵ بر امور جهانی مسلط بود و پس از سال ۱۹۹۱ به اوج خود رسید، رو به پایان است و به جای تأسف از این تغییر، این کشور و جهان باید از فرصت‌هایی که ارائه می‌دهد، استقبال کنند.

برای مدت طولانی، آمریکا بار ناظم جهانی را به دوش می‌کشد که با مفهوم حفظ «نظم بین‌المللی مبتنی بر قوانین» که به طور فزاینده‌ای نامربوط است، گره خورده است. پایان این دوران درها را به روی نظم جهانی عادلانه‌تر، مرفه و واقع‌گرایانه‌تر می‌گشاید یعنی نظامی که به جای تسلط بر قدرت‌های جهانی مبتنی بر ایجاد توازن بین قدرت‌های جهانی است. زمان آن فرا رسیده است که آمریکا استراتژی بزرگ خویش‌داری را اتخاذ کند که ریشه در تئوری روابط بین‌الملل واقع‌گرایانه دارد و نقش خود را در دنیای چندقطبی تغییر دهد.

افول هژمونی آمریکا فرآیندی تدریجی بوده است که توسط رویدادهای بزرگ شتاب می‌گیرد، اما همیشه ریشه در روندهای ساختاری عمیق‌تری دارد. ظهور قدرت‌های جهانی دیگر توانایی آمریکا در کنترل امور جهانی را به چالش کشیده است. افسانه‌ای که واشنگتن پس از جنگ سرد به آن باور داشت، اینکه می‌تواند به‌طور نامحدود حکمرانی جهانی را دیکته کند، همیشه یک توهم بود.

بیش از حد در مداخلات نظامی، همراه با چالش‌های داخلی و بین‌المللی، برتری آمریکا را تضعیف کرده است.

سیستم بین‌المللی که آمریکا پس از جنگ جهانی دوم به ساخت آن کمک کرد، سیستمی از نهادهای چندجانبه و هنجارهای لیبرال برای سال‌ها شکاف نشان داده است. این یک چارچوب خنثی یا خیرخواهانه نبود. این ساختاری بود که در خدمت منافع آمریکا بود که اغلب به هزینه سایر کشورها تمام می‌شد.

اکنون، با افزایش رقابت از سوی دیگر قدرت‌ها، این ایده که واشنگتن می‌تواند به‌عنوان ناظم جهانی عمل کند، نه تنها واقع‌بینانه نیست، بلکه نتیجه معکوس نیز دارد. چسبیدن به هژمونی تنها به مداخلات پرهزینه‌تر و شکست‌های

چین جلوگیری کند، بدون اینکه خود را در تلاش‌های بی‌بهره مهار کند.

بی‌پرده به معنای تحمیل اراده آمریکا بر جهان نیست، بلکه برای اطمینان از این است که هیچ قدرت دیگری نمی‌تواند اراده خود را تحمیل کند. این استراتژی تشخیص می‌دهد که نظم جهانی در حال تغییر است و نقش واشنگتن باید مدیریت محتاطانه باشد تا مداخله تهاجمی. خویش‌داری واقع‌گرایانه به معنای شناخت این موضوع است که آمریکا نمی‌تواند و نباید در هر درگیری دخالت داشته‌باشد و همچنین نمی‌تواند شرایطی را به هر قدرت در حال ظهور دیکته کند. پایان هژمونی آمریکا، این کشور را از یوغ ناظم جهانی که برای مدت طولانی به

ضرر خود متحمل شده است، رهایی‌کننده است. یک استراتژی بزرگ خویش‌داری، منافع ملی اصلی آمریکا را در اولویت قرار می‌دهد و از مداخلات پرهزینه و غیرضروری که مشخصه بسیاری از سیاست خارجی این کشور در دوران پس از جنگ سرد بود، اجتناب می‌کند. جنگ در عراق و افغانستان نشان‌دهنده خطرات بیش از حد و بی‌بهره‌گی تلاش برای تحمیل ارزش‌های دموکراتیک از طریق ابزارهای نظامی است.

twtr.to/RUIXr

به جای تسلط یک جانبه باز می‌کند. با افزایش قدرت چین و به چالش کشیدن نفوذ آمریکا، برای سیاست‌گذاران و سوسه‌انگیز است که وضعیت را به‌عنوان یک جنگ سرد جدید تعریف کنند و چین به‌عنوان دشمن اصلی جایگزین اتحاد جماهیر شوروی شود؛ اما این یک قیاس ناقص است. جنگ سرد یک مبارزه ایدئولوژیک و نظامی منحصر به فرد بین دو ابرقدرت بود و تلاش برای اعمال همین منطق امروز فقط تشدید زیان باری را به دنبال دارد. آمریکا نباید تلاش کند تا چین را به معنای سنتی کلمه «مهار» کند که تنها باعث ایجاد تقابل بدون تأمین منافع آمریکا می‌شود.

در عوض، واشنگتن باید یک استراتژی «تضعیف کردن» را دنبال کند با استفاده از قدرت و نفوذ خود برای جلوگیری از تسلط یک کشور بر مناطق کلیدی یا تعیین قوانین حکومت جهانی. این رویکرد واقع‌گرایانه تصدیق می‌کند که در حالی که رشد چین رانمی‌توان متوقف کرد، می‌توان آن را مدیریت کرد. آمریکا باید با متحدان و قدرت‌های منطقه‌ای کار کند تا اطمینان حاصل کند که جاه‌طلبی‌های پکن به‌ضرر امنیت آمریکا یا شرکای آن تمام نمی‌شود. با تمرکز بر حفظ توازن قوا، آمریکا می‌تواند از سلطه

استراتژیک منجر می‌شود، همان‌طور که دهه‌های اخیر سیاست خارجی آمریکا نشان می‌دهد.

پایان هژمونی آمریکا یک فاجعه نیست، بلکه فرصتی برای اتخاذ رویکردی محدودتر و واقع‌بینانه‌تر به روابط بین‌الملل است. استراتژی بزرگ خویش‌داری که بر اساس نظریه واقع‌گرایانه استوار است، محدودیت‌های قدرت آمریکا و خطرات گسترش بیش از حد را تشخیص می‌دهد.

رنالیسم، با تمرکز بر منافع ملی، توازن قوا و اجتناب‌ناپذیر بودن رقابت بین دولت‌ها، مسیر روشنی را به پیش می‌دهد. به جای تلاش برای تسلط یا تحمیل یک چارچوب ایدئولوژیک بر جهان، آمریکا باید بر حفاظت از منافع اصلی خود و در عین حال اجتناب از درگیری‌های غیرضروری تمرکز کند.

در دنیای چندقطبی، آمریکا باید یکی از قدرت‌ها باشد. کلید حفظ امنیت و ثبات از طریق تحمیل رهبری آمریکا نیست، بلکه از طریق توازن است به معنی شرکت در رقابت انتخابی و همکاری با دیگر قدرت‌ها، بدون تلاش برای تسلط بر آن‌ها. این دور شدن از هژمونی فضا را برای ائتلاف‌های جدید و مشارکت‌های انعطاف‌پذیرتر بر اساس منافع متقابل

استراتژی نامشخص روسیه در خصوص ایران

شدن به ایران و تلاش برای ارباب غرب. در همین حال، طبق گزارش‌ها، روسیه پهپاد خرابی به ازبکستان، قرقیزستان و قزاقستان می‌فروشد و منطقه شمال ایران را با سلاح‌هایی مسلح می‌کند که احتمالاً می‌تواند به تأسیسات هسته‌ای این کشور برسد. روسیه همچنین در جلساتی با دولت‌های این منطقه از جمله ترکمنستان، ازبکستان و ایران شرکت می‌کند و به آن‌ها نزدیک می‌شود.

این سیاست متناقض به نظر می‌رسد، مجموعه‌ای از تصمیمات که به سختی می‌توان آن را به عنوان یک استراتژی توصیف کرد. با این حال، نگاهی دقیق‌تر نشان می‌دهد که روسیه هم‌زمان در حال ایجاد نیروی قابل توجهی است در حالی که وانمود می‌کند بی‌ضرر و سردرگم است. درگیر شدن با آسیای میانه برای سال‌ها در استراتژی منطقه‌ای آن نقش محوری داشته و اکنون روسیه در تجهیز دولت‌های منطقه، نیات خود را در قبال ایران ناشناخته گذاشته است. این امر همراه با تضمین‌هایی برای دفاع از ایران در مقابل غرب، راهبردی را ایجاد می‌کند که تا حد زیادی به دلیل عدم اطمینان در اقدامات روسیه برای دشمنان روسیه خطرناک است.

twttr.to/BSKFg



این واقعیت نباشد که ایران در حال توسعه قابلیت‌های هسته‌ای است که احتمالاً هرگونه رویارویی با روسیه را به بن‌بست می‌رساند، و سوسه‌انگیز است که این را یک مسیر خطرناک تلقی کنیم. آن‌ها قبلاً روابط بسیار خوبی داشتند و اکنون به نظر می‌رسد که همکاری قوی‌تری دارند. در واقع، روسیه گفته است که با هرگونه حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران مقابله خواهد کرد به معنی تلاشی آشکار برای نزدیک‌تر

تهدید کند. اهداف و توانایی‌های ایران اغلب نامشخص است، اما در دنیایی با استراتژی پیچیده، باید برای بدترین آماده شوید و در این منطقه، بدترین چیزی است که معمولاً اتفاق می‌افتد. از میان همه همسایگان ایران، روسیه به تنهایی در موقعیت جغرافیایی برای اقدام در سراسر منطقه قرار دارد. ایران به همین اندازه می‌داند و بنابراین مجبور است علیه روسیه اقدام کند. اگر به خاطر

ژئوپولیتیکال فیوچرز جرح فریدمن

خوانندگان بدون شک متوجه شده‌اند که بسیاری از نوشته‌های من در دو سال و نیم گذشته بر روسیه متمرکز بوده است. برخی از دلایل این امر واضح است: روسیه یک قدرت نظامی جهانی است. این کشور قدرت اقتصادی بزرگی نیست، اما این ظرفیت را دارد که همراه با آمریکا، رویدادهای بسیاری از قاره‌ها را شکل داده و کنترل کند. من عمداً چین را از این تحلیل مستثنا می‌کنم که در مقاله بعدی خود توضیح خواهم داد. قدرت‌های دیگر کمتر آشکار هستند، اما اهمیت کمتری ندارند.

ایران مرکز چیزی است که من آن را بحران شمال می‌نامم. دولت این کشور یک ضرورت ژئوپولیتیکال برای حفظ مرزهای خود دارد و این امر را، همان‌طور که بسیاری انجام می‌دهند، از طریق استقرار نیروهای مسلح و تسلیحات (گاهی اوقات، ظاهر استقرار) دنبال می‌کند. این تعقیب به‌طور بالقوه کشورهای مرز شرقی آن یعنی پاکستان، افغانستان و ترکمنستان و همچنین ترکیه در شمال غربی را تهدید می‌کند. با این حال، مهم‌ترین چیز برای من این است که می‌تواند روسیه را نیز

حمله طرفداران گروه‌های شبهه‌نظامی جمهوری اسلامی به دفتر یک شبکه تلویزیونی عربستان در بغداد

جنبش حماس در بیانیه‌ای از این اقدام شبکه سعودی اعلام انزجار و آن را سقوط اخلاقی نامید و خواستار عذرخواهی این شبکه شد. گروه‌های مقاومت عراق تهدید کردند که در صورت تعطیل نشدن دفتر این شبکه در این کشور، به آن حمله خواهند کرد. مردم عراق نیز به اشتراک گذاشتن آدرس این شبکه خواستار اقدام مردمی برای تعطیلی آن شدند.

ibit.ly/pDg9A

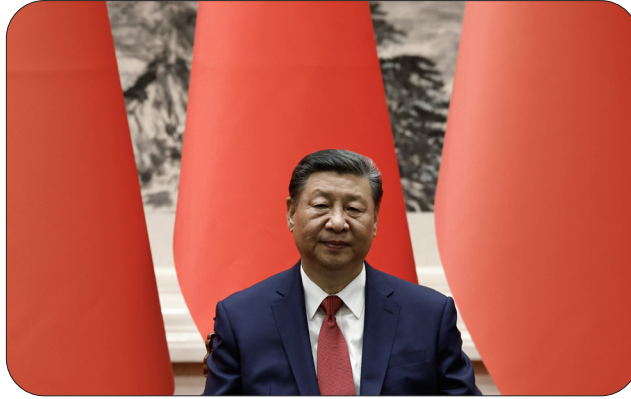
به فرماندهان شهید مقاومت به آتش کشیدند. جوانان خشمگین پس از ورود به دفتر این شبکه در منطقه دانشگاه بغداد و تخریب تجهیزات آن، ساختمان را به آتش کشیدند. یک منبع وزارت کشور که خواست نامش فاش نشود، گفت: «آن‌ها تجهیزات الکترونیکی و کامپیوترها را خراب کردند و بخشی از ساختمان را آتش زدند. نیروهای امنیتی مستقر در منطقه نتوانستند از یورش مردم عراق به ساختمان این شبکه جلوگیری کنند.

انقلاب اسلامی، یحیی سنوار و اسماعیل هنیه، رهبران کشته‌شده حماس؛ حسن نصرالله، رهبر حزب الله لبنان؛ فواد شکر، فرمانده بلندپایه نظامی این گروه؛ و جمال جعفر محمد علی آل ابراهیم (ابومهدی المهندس)، رهبر شبهه‌نظامیان کتائب حزب الله، به‌عنوان «تروریست» یاد شده‌بود. بر اساس این گزارش، تعداد مهاجمان بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ تن بود. جوانان خشمگین عراقی با مباداد امروز (شنبه) دفتر شبکه «ام‌بی‌سی» عربستان در بغداد را به خاطر اهانت

بارونزا

یک منبع امنیتی گفت که طرفداران گروه‌های شبهه‌نظامی طرفدار جمهوری اسلامی ایران در عراق با مباداد روز شنبه ۲۸ مهر به دفتر شبکه تلویزیونی «ام‌بی‌سی» عربستان در بغداد حمله کردند. بر اساس گزارش‌ها، حمله به دفتر این شبکه تلویزیونی پس از پخش یک گزارش از این رسانه انجام شد. به گفته رسانه‌های حکومتی جمهوری اسلامی، در این گزارش از سردار سلیمانی، فرمانده سابق نیروی قدس سپاه پاسداران

چین طرح مارشال خود را راه اندازی خواهد کرد؟



آن هرد جان ریڈلی

به گفته یکی از مشاوران بانک مرکزی، پکن برای کمک به کشورهای در حال توسعه برای تسریع گذار سبز خود، هم‌زمان هضم ظرفیت مازاد صنعتی چین و تقویت بین‌المللی شدن بخش مالی این کشور، باید صفحه‌ای از ابتکار کمک خارجی قدیمی آمریکا به نام طرح مارشال (با عنوان رسمی برنامه بازیابی اروپا، یک طرح ابتکاری آمریکا بود که در سال ۱۹۴۸ برای ارائه کمک‌های خارجی به اروپای غربی تصویب شد) را انتخاب کند. هوانگ یی‌پینگ، یکی از اعضای کمیته سیاست پولی بانک خلق چین، روز دوشنبه گفت که چین می‌تواند به اقتصادهای نوظهوری که نیازمند انتقال به انرژی پاک هستند اما فاقد پول و فناوری هستند، وام دهد. هوانگ در انجمن مالی جهانی که توسط دانشگاه چین‌ها در شهر هانگژو برگزار می‌شود گفت: «از آنجایی که هر کشوری باید گذار سبز را انجام دهد و کشورهای در حال توسعه آن را به‌ویژه دشوار می‌بینند، اگر ما این مسئولیت را به اشتراک بگذاریم، نمی‌توانیم تنها به آن‌ها کمک کنیم تا به هدف دست‌یابند، بلکه رهبری و نفوذ جهانی

با یک محرک طرف عرضه، دیدگاه موجود در بازارها که اکثر اقتصاددانان آن را دارند این است که مشکل چین تقاضای ناکافی است. توسعه اقتصادی آن بر اساس استفاده از نیروی کار ارزان برای تولید صادرات برای بازار جهانی شکل گرفت، اما مدل آن تنها تا زمانی می‌توانست دوام بیاورد که بقیه جهان مایل به خرید محصولات ارزان چینی باشند. صنعتی زدایی متعاقب سایر کشورهای باعث شده است که بسیاری از آن‌ها مانع‌رایی برای واردات چین ایجاد کنند که به این معنی است که مازاد عرضه آن باید در داخل از بین برود. عزم شی جین‌پینگ برای حفظ رهبری اقتصادی حزب کمونیست، او را به سمت

چین در توسعه سبز را نیز ارتقا دهیم. « پس از دهه‌ها رشد چشمگیر، اقتصاد چین اخیراً در «تله درآمد متوسط» گرفتار شده است یعنی نقطه‌ای که اقتصاد در حال رشد تمام ظرفیت صنعتی مورد نیاز خود را ایجاد کرده است. در بحبوحه رکود، قیمت‌ها در حال کاهش هستند زیرا کشور به سمت کاهش شدید تورم می‌رود. باید به مدل جدیدی بروید که نه بر اساس افزودن ظرفیت بیشتر، بلکه در عوض بهبود کیفیت محصول برای بازار مصرف‌کننده روبرو شود. همه قبول دارند که چین برای خروج از این تله به یک برنامه محرک نیاز دارد. اختلاف نظر این است که آیا باید یک محرک تقاضا باشد

اولویت دادن به محرک‌های جانبی سوق داده است. هدف، تخصیص مجدد سرمایه‌گذاری به دور از دارایی‌وزیر ساخت و به سمت صنایع جدیدی است که در آینده مسلط خواهند شد، مانند انرژی‌های تجدیدپذیر و هوش مصنوعی. اما پایبندی به این استراتژی که برای تصویر حزب حاکم از خود مهم است، ممکن است به معنای قربانی کردن هدف رشد سالانه ۵ درصدی آن باشد، حداقل برای امسال. بازارها، با دانستن اینکه این رقم برای دولت چقدر طلسم‌کننده شده است، فکر می‌کنند که در نهایت کاهش می‌یابد و محرک بزرگی برای تقاضا ایجاد می‌کند. ارتباطات رسمی از سوی پکن در حال افزایش است مبنی بر اینکه دولت قصد دارد برای احیای اقتصاد وام بگیرد و سرمایه‌گذاران در انتظار جزئیات هستند. شی می‌تواند سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه را که با کشورهای غربی قراردادهای تجاری دارند، افزایش دهد و شرکت‌های چینی را قادر می‌سازد تا تعرفه‌ها را دور بزنند. در نتیجه افزایش درآمد در کشورهای دریافت‌کننده، تقاضا برای محصولات چینی را بیشتر افزایش می‌دهد.

[twtr.to/b9Fti](https://twitter.com/b9Fti)

نیوزویک

در میانه آشوب جهانی

داعش برای انتقام جویی بیشتر آماده می‌شود

کارشناسان تروریسم و امنیت می‌گویند که با ادامه و گسترش دامنه درگیری در اوکراین، غزه و لبنان، گروه داعش به‌ویژه داعش خراسان، برای انتقام جویی‌های بیشتر آماده می‌شود. نشریه نیوزویک در مطلبی آورده است که داعش از ناآرامی‌ها و درگیری‌ها سود می‌برد و تلاش می‌کند «راه را برای حملات جدید و مرگبار در سراسر جهان هموار کند». نیوزویک افزود که خطر داعش پس از سرکوب این گروه در سوریه و عراق در سال ۲۰۱۹ کاهش یافت، اما شاخه خراسان داعش، که در افغانستان مستقر است، باره اندازی حملات‌های مرگبار در روسیه، ایران، پاکستان و افغانستان و همچنین بازداشت شهروندان افغانستان و کشورهای آسیای میانه در کشورهای غربی، نشان داد که این گروه امنیت غرب را نشانه گرفته است. در این مطلب آمده است: «گسترش اختلاف قدرت‌های جهانی برسر مسائلی که از اروپای شرقی تا شرق آسیا را دربر می‌گیرد، عملاً فرصت‌های جدیدی برای داعش خراسان فراهم می‌آورد تا از آن برای افزایش و گسترش برنامه‌های تهدیدآمیزش استفاده کند.»

ibit.ly/HlJyY

تاسیسات هسته‌ای

والا نیوز

گزینه حمله به تاسیسات هسته‌ای ایران

روی میز است

وزیر انرژی اسرائیل در مصاحبه با «والا نیوز» گفت: «ما متعهد هستیم که از دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای جلوگیری کنیم. به همین علت حمله به تاسیسات هسته‌ای ایران، یکی از گزینه‌های روی میز است». الی کوهن با تأکید بر اینکه «ما هنوز حتی ۱۰ درصد از توانایی‌های فوق‌العاده اطلاعاتی خود را هم نشان نداده ایم»، خاطر نشان کرد: «ما علیه گروه‌های وابسته به حکومت جمهوری اسلامی کار و با آن‌ها مبارزه می‌کنیم، اما در نهایت سر مار در ایران است. جمهوری اسلامی حامی شماره یک تروریسم در جهان است و ما در اسرائیل برای انجام اقدامات لازم علیه این نظام در حال تثبیت این دیدگاه و تغییر نگرش‌ها نسبت به ایران در کل منطقه هستیم». وزیر انرژی اسرائیل همچنین تصریح کرد: «ما قبلاً ثابت کرده ایم هر کسی که به اسرائیل آسیب بزند، سخت‌ترین ضربات را از ما خواهد خورد. کسی نیست که بتواند از عدالت و پاسخ‌گویی مافزار کند، اما گاهی اوقات می‌خواهیم این اقدام به سرعت انجام شود و گاهی با عقل و احتیاط پیش می‌رویم، اما قطعاً به جایی که بخواهیم، می‌رسیم.»

ibit.ly/eyse_

دو انتخابات و پیامدهای آن برای قفقاز جنوبی



کامن اسپیس بنیامین پوقوسیان |

با نزدیک شدن به انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، بسیاری در حال ارزیابی پیامدهای انتخاب دولت دونالد ترامپ یا کامالا هریس در نقاط مختلف جهان هستند. مفسران قفقاز جنوبی نیز از این قاعده مستثنی نیستند. دولت بایدن قالب واشنگتن را برای تسهیل مذاکرات ارمنستان و آذربایجان ایجاد کرد و گام‌هایی را برای پیشبرد روابط آمریکا و ارمنستان برداشت و تصمیم گرفت وضعیت گفت‌وگوی راهبردی را که در سال ۲۰۱۹ آغاز شد به یک کمیسیون مشارکت راهبردی ارتقا دهد. دولت بایدن همچنین تلاش‌هایی را برای بهتر کردن روابط بین ارمنستان و ترکیه انجام داد و این امر را برای ثبات منطقه ضروری دانست. مقامات آمریکایی عادی سازی روابط ارمنستان و ترکیه را برای کاهش نفوذ روسیه و کاهش وابستگی ارمنستان به روسیه ضروری می‌دانند.

این فشار بخشی از استراتژی گسترده‌تر آمریکا برای کاهش نفوذ روسیه در منطقه از طریق کمک به ارمنستان و آذربایجان برای عادی سازی روابط و ارتقای ثبات منطقه بوده است. در همین حال، واشنگتن نسبت به اقدامات اخیر دولت گرجستان از جمله تصویب قانون شفافیت نفوذ خارجی و ایجاد پیشروی در قبال چین و روسیه واکنش منفی نشان داده است. آمریکا تحریم‌های شخصی را علیه برخی از مقامات گرجستان اعمال کرد و مانورهای مشترک را لغو کرد.

با این حال، مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری آمریکا تنها انتخاباتی نیست که در قفقاز جنوبی جلب توجه می‌کند. در روز ۱۲ اکتبر، انتخابات پارلمانی در گرجستان برگزار می‌شود که بدون شک آینده آن کشور و کل منطقه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. حزب حاکم رویای گرجستان به دنبال کسب اکثریت قانون اساسی است، در حالی که احزاب مخالف امیدوارند به حکومت ۱۲ ساله این حزب پایان دهند. انتخابات در گرجستان احتمالاً پیامدهای ژئوپلیتیکی قابل توجهی

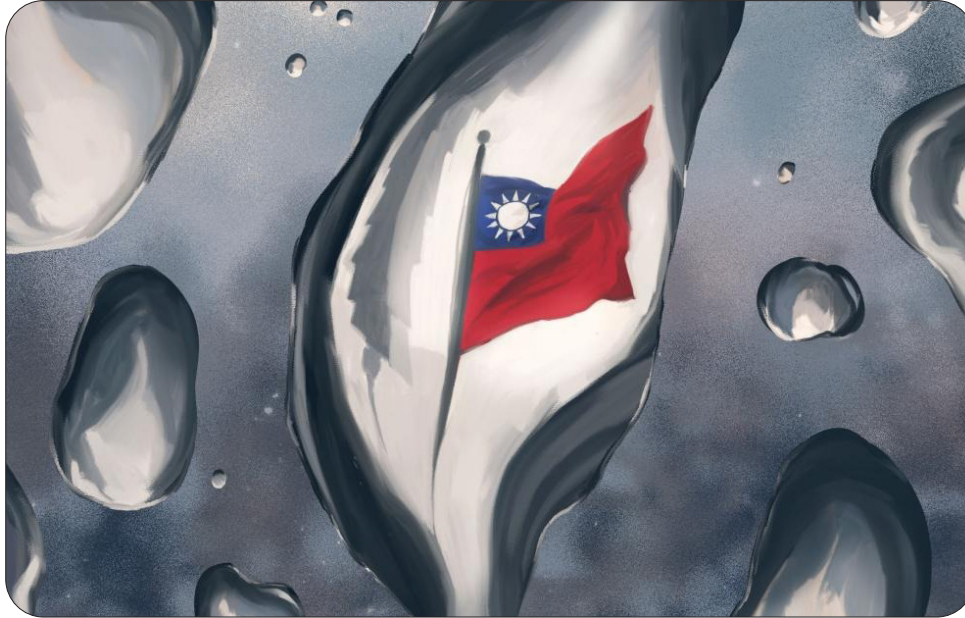
خود با اتحادیه اروپا و آمریکا ادامه دهد. روسیه نیز از ترس از دست دادن نفوذش در منطقه آذربایجان را برای تهدید و حمله به ارمنستان تحریک می‌کند. اگر اپوزیسیون گرجستان پیروز شود و ترامپ رئیس‌جمهور شود (سناریوی چهارم)، دخالت آمریکا در منطقه احتمالاً کاهش می‌یابد در حالی که گرجستان تلاش می‌کند شراکت خود را با غرب بازگرداند. با کاهش تعامل آمریکا در منطقه، ادامه مسیر کنونی ارمنستان در توسعه روابط با غرب به توانایی اتحادیه اروپا برای ادامه ارائه حمایت اقتصادی از ارمنستان و سایر تضمین‌ها بستگی دارد. اگر بروکسل موفق به انجام این کار شده بود، ارمنستان می‌توانست به مسیر غربی خود ادامه دهد و روابط بیشتری با گرجستان برقرار کند. ریال اما اتحادیه اروپا نیز تا حد زیادی کوتاهی کرده است. انتخابات آتی تأثیر عمیقی بر آینده ژئوپلیتیکی قفقاز جنوبی برای چهار سال آینده و پس از آن خواهد داشت. در حالی که ارمنستان همچنان با پیامدهای شکست نظامی خود در قره‌باغ دست و پنجه نرم می‌کند، تسلط نظامی آذربایجان بر قره‌باغ و تشدید بالقوه اقدامات نظامی توسط آذربایجان در سال ۲۰۲۵ به عنوان توافق صلح بین طرفین همچنان مبهم باقی مانده است. پویایی‌های در حال تحول منطقه همچنان مبهم است.

<https://tinyurl.com/2d9xq6ux>

به عنوان «دروازه ارمنستان به اروپا» را کاهش خواهد داد. در همین حال، دولت هریس احتمالاً به سیاست‌های بایدن در قفقاز جنوبی ادامه خواهد داد. در این صورت ارمنستان می‌تواند به نقطه کانونی جدید منطقه برای توجه غرب تبدیل شود، یا مشابه گرجستان می‌تواند منزوی شود و رو به همسایگان نه‌چندان خوش نام خود آورد. در بدترین سناریو، آذربایجان ممکن است از این وضعیت برای دریافت امتیازاتی با شرط حفظ صلح با ارمنستان استفاده کند. اگر رویای گرجستان پیروز شود و دونالد ترامپ به کاخ سفید بازگردد (سناریوی دوم)، دخالت آمریکا در قفقاز جنوبی ممکن است کاهش یابد. گرجستان به دور شدن از غرب ادامه خواهد داد. در این سناریو ممکن است ارمنستان مجبور باشد سیاست خارجی و روابط خود را با قدرت‌های منطقه‌ای تغییر دهد، شاید همکاری با سازمان‌های غیرغربی مانند سازمان همکاری شانگهای و بریکس را در نظر بگیرد و تقریباً مانند سناریوی قبلی می‌شود. پیروزی اپوزیسیون گرجستان همراه با ریاست جمهوری کامالا هریس (سناریوی سوم) می‌تواند باعث شود که گرجستان روابط خود با غرب را مجدداً تنظیم کند و به وضعیت قبل از تحولات اخیر ناشی از تصویب قانون عوامل خارجی بازگردد. در این سناریو، ارمنستان ممکن است به تعامل عمیق

خواهد داشت، زیرا اپوزیسیون رویای گرجستان را متهم می‌کند که آرمان‌های گرجستان برای یکپارچگی یوروآتلانتیک را که در قانون اساسی این کشور تعیین شده است تهدید کرده و همسویی این کشور با روسیه را دنبال می‌کند. در همین حال، حزب حاکم استدلال می‌کند که اپوزیسیون به دنبال کشاندن گرجستان به جنگ با روسیه و تبدیل آن به «اوکراین دوم» است. در حالی که ارمنستان هیچ انتخاباتی برای سال ۲۰۲۴ یا ۲۰۲۵ ندارد، اما جامعه کارشناسان و محافل سیاسی آن را از نزدیک دزر کنار تحولات آمریکا و گرجستان زیر نظر دارند. پیامدهای انتخابات آمریکا و گرجستان برای ارمنستان چه خواهد بود؟ چهار سناریو اصلی وجود دارد؛ اول پیروزی رویای گرجستان و کامالا هریس است که ممکن است انتظار داشته باشیم که گرجستان به دور شدن از غرب، تعمیق همکاری اقتصادی با چین و عادی سازی روابط با روسیه ادامه دهد. روابط آینده گرجستان و غرب به واکنش غرب به نتیجه انتخابات بستگی دارد؛ آیا آن‌ها فشار بر دولت گرجستان را افزایش می‌دهند و در عین حال حمایت از جامعه مدنی را گسترش می‌دهند یا سعی می‌کنند از وخامت بیشتر روابط با گرجستان جلوگیری کنند؟ در هر صورت، این روابط همچنان رو به وخامت خواهد رفت و احتمالاً نقش گرجستان

نقطه اشتعال؛ خشم چین بر سر تایوان



فازن افروز جیمز استاینبرگ |

با توافق تقریباً جهانی، تنگه تایوان به عنوان قابل احتراق ترین نقطه اشتعال در جهان ظاهر شده است. در سال های اخیر، چین به طور چشمگیری مقیاس و شدت عملیات نظامی خود را در اطراف تایوان افزایش داده است و به آنچه که ادعا می کند تحریکات تایوان و آمریکا است، پاسخ داده است. تایوان به نوبه خود بودجه دفاعی و آمادگی نظامی خود را افزایش داده است، در حالی که آمریکا سرعت فعالیت نظامی خود را در منطقه افزایش داده است. کارشناسان، محققان و حتی مقامات دولتی مجموعه ای گیج کننده از سناریوهای آخرا زمانی مربوط به تایوان، از محاصره اقتصادی که اقتصاد جهانی را خراب می کند تا یک جنگ هسته ای ابرقدرت ها، خواه ناشی از حمله عمدی به تایوان یا برخورد تصادفی کشتی ها یا هواپیماها باشد، ارائه می کنند.

شی جین پینگ، رهبر چین در سال ۲۰۲۲ در یک تماس تلفنی با جو بایدن، رئیس جمهور آمریکا، هشدار قاطع در مورد تایوان صادر کرد: «کسانی که با آتش بازی می کنند توسط آن نابود خواهند شد». برخی از آمریکا خواسته اند که تعهد صریح برای دفاع از تایوان (از جمله با سلاح های هسته ای، در صورت لزوم) داشته باشد و اعلام کنند که این جزیره بخشی از چین نیست. تعداد بسیار کمتری از تحلیلگران از بستن قراردادی با پکن حمایت کرده اند که در آن واشنگتن به تعهد خود برای دفاع از تایوان پایان می دهد و این جزیره به حال خود رها می شود. اگرچه طرفداران هر یک به جرأت بر برتری رویکرد خود تأکید می کنند، واقعیت این است که همه این پیشنهادات مملو از ریسک و عدم اطمینان هستند. همگی مبادلات دشواری بین منافع و ارزش های رقیب آمریکا وجود دارد.

آمریکا چگونه در این مخمصه قرار گرفت و آیا درک بهتر گذشته به آن کمک می کند مسیر آینده را از طریق میدان مین ترسیم کند؟ این سؤال انگیزشی است که پشت کتاب جدید و تأمل برانگیز سلمان واصف

خان، مبارزه برای تایوان، وجود دارد. خان، مورخ، پاسخ خود را در ابتدا روشن می کند و استدلال می کند که «اگر می خواهیم از فاجعه جلوگیری کنیم، به درک کامل رابطه مثلی بین آمریکا، چین و تایوان نیاز است». خان در ارائه گزارش خود از آن رابطه، استدلال می کند که «آشفتنگی نقش اصلی را در این داستان تاکنون بازی کرده است». او توضیح می دهد که سیاست های آمریکا و چین در قبال تایوان به سختی با «استراتژی بزرگ یا حتی برنامه ریزی» مشخص شده است. از نظر او، داستان واقعی یکی از فرصت های مکرر از دست رفته از سوی همه طرف ها است. او از رؤسای جمهور هر دو طرف انتقاد می کند که نتوانستند جسورانه برای حل قطعی وضعیت تایوان عمل کنند، نتیجه ای که به اعتقاد او می تواند برای همیشه تنش هایی را که روابط آمریکا و چین را تضعیف کرده است، کاهش دهد. این نسخه در گذشته جذاب به نظر می رسید؛ اما خان درک نمی کند که چگونه استفاده خلاقانه از ابهام و سازش به واشنگتن اجازه داد تا روابط پرتنش خود با پکن را مدیریت کند. به دور از دامن زدن به درگیری، عدم اطمینان شرایط را برای چندین دهه صلح و رفاه در شرق آسیا ایجاد کرد. تعداد فزاینده ای از کارشناسان و

مقامات سابق نیز خواستار تغییر سیاست قاطع تر حمایت نظامی و دیپلماتیک شده اند. در موارد متعددی، خود بایدن صراحتاً اعلام کرده است که آمریکا مایل است دفاع از تایوان درگیر نظامی شود، اگرچه مقامات دیگر متعاقباً این اظهارات را تأیید کردند و تأکید کردند که هیچ تغییری در سیاست آمریکا ایجاد نشده است. خان نکته ای در زیر سؤال بردن رویکرد آمریکا دارد. ابهام هزینه های خودش را دارد. ابهام می تواند دشمنان را جسور و دوستان را ناراحت کند؛ اما اینکه می گوئیم ابهام اغلب اشتباه است به این معنا نیست که همیشه همین طور است. واشنگتن نفع قانع کننده ای در حمایت از کسانی دارد که برای حقوق بشر و دموکراسی مبارزه می کنند، همان طور که شهروندان شجاع تایوان برای دهه ها این کار را انجام داده اند، ابتدا در برابر دولت های مستبد ملی گرا و اکنون در مواجهه با فشار پکن. این کشور علاقه شدیدی به حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات ورد اجبار سیاسی، اقتصادی و نظامی دارد؛ و به درستی نگران کنترل بالقوه چین بر آب های استراتژیک اطراف تایوان و خود تایوان است؛ اما آمریکا همچنین منافع قانع کننده ای در اجتناب از جنگ، یا حتی صرفاً از اختلال عمیق اقتصادی که از تشدید اختلاف با چین

حاصل می شود، دارد؛ و بسیاری از چالش های جهانی، از تغییرات آب و هوایی گرفته تا سلامت عمومی و خطرات هوش مصنوعی، نیازمند همکاری آمریکا با چین است. شاید قوی ترین درس کتاب خان مربوط به عاملیت باشد. خان بارها به خوانندگان یادآوری می کند که مسیر کنونی اجتناب ناپذیر نبود، بلکه محصول انتخاب های رهبران پکن، تایپه و واشنگتن بود. این تاریخ باید به عنوان یک هشدار دهنده و انگیزه برای رهبران در هر سه پایتخت باشد. درگیری در تنگه تایوان نه اجتناب ناپذیر است و نه بعید، اما اجتناب از آن به انتخاب سیاست محتاطانه هر یک از سه دولت بستگی دارد. همان طور که خان و سایر منتقدان سیاست آمریکا در قبال تایوان علاقه مند به اشاره هستند، دهه ها ابهام و سازش نه تایوان، نه چین و نه آمریکا را کاملاً راضی نکرده است؛ اما تقریباً طبق تعریف، هر نتیجه ای که یک طرف را به طور کامل راضی کند برای دیگری غیرقابل قبول است، بنابراین هدف واشنگتن باید یافتن وضعیت موجودی باشد که همه طرف ها بتوانند با آن زندگی کنند. این یک اقدام متعادل کننده خوب است و هدف دیپلماسی همین است.

<https://B2n.ir/q/49544>

واشنگتن پست - اوگریدی / خدوف

افشای «طرح پیروزی» و درخواست عضویت فوری در ناتو



ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، روز چهارشنبه توصیه گسترده‌ای از «طرح پیروزی» پنج ماده‌ای خود را به قانون‌گذاران اوکراین ارائه کرد و اولین گام را دعوت فوری و بدون قید و شرط برای پیوستن به ناتو و آخرین گام را به‌عنوان پیشنهادی برای جایگزینی سربازان آمریکایی در اروپا با اوکراین توصیف کرد.

این طرح قبلاً با متحدان اوکراین به اشتراک گذاشته شده است، اما نظرات عمومی محدودی در مورد آن وجود داشته است که مشخص نیست توصیه‌های زلنسکی پذیرفته شده است یا خیر. عضویت در ناتو به اوکراین امکان حفاظت از سایر اعضای این ائتلاف را در صورت هرگونه حمله آینده می‌دهد.

زلنسکی گفت، دومین نکته در این طرح، تقویت دائمی امنیت اوکراین از طریق تضمین شرکای این کشور است که سلاح‌های آن‌ها می‌تواند برای حملات در داخل روسیه استفاده شود و همسایگان اوکراین برای حفاظت از آسمان اوکراین، عملیات مشترک پدافند هوایی را انجام خواهند داد. او گفت که این امر همچنین امکان ادامه عملیات در داخل خاک مستقل روسیه را برای تضمین مناطق حائل که از اوکراین محافظت می‌کند، می‌دهد. سومین طرح بازدارندگی غیرهسته‌ای است و چهارمین مورد تضمین‌کننده امنیت اقتصادی و حفاظت از منابع طبیعی اوکراین است که به گفته او شرکای اوکراین را تقویت می‌کند و اقتصاد روسیه و «ماشین جنگی» را تضعیف می‌کند.

زلنسکی گفت که این پنج نقطه شامل سه بخش طبقه‌بندی شده است که یکی از آن‌ها مربوط به نقطه بازدارندگی است که قبلاً به شرکای آمریکایی، انگلیسی، آلمانی، فرانسوی و ایتالیایی ارائه شده است. زلنسکی گفت اگر این طرح با موفقیت اجرا شود، می‌تواند تا اواخر

اعتقاد راسخ من این است که روزی اوکراین عضو ناتو خواهد شد و زمانی که آن روز فرا رسد تحسین خواهیم کرد. این امر به متحدان بستگی دارد که بین خود درباره چگونگی پیشبرد آن بحث کنند.

ارائه عمومی این طرح توسط زلنسکی در حالی انجام شد که اوکراین برای زمستان سختی آماده می‌شود. برای ماه‌ها، روسیه زیرساخت‌های انرژی اوکراین را تحت تأثیر قرار داد و باعث خاموشی گسترده شد. با کاهش شدید دما و شروع فصل گرما، این کشور اکنون خود را برای قطعی‌های برق بیشتر آماده می‌کند.

در همین حال، نیروهای روسی در حال پیشروی به سمت شهرهای شرقی پوکروفسک هستند که بیشتر غیرنظامیان از آنجا تخلیه شده‌اند و همچنین تورتسک، جایی که حملات بی‌وقفه روسیه بیشتر شهر را با خاک یکسان کرده است.

نتایج قمار اوکراین برای حمله به منطقه کورسک روسیه در ماه آگوست همچنان نامشخص است. اگرچه اوکراین هنوز زمین‌های قابل توجهی را در آنجا کنترل می‌کند، برخی تصمیم‌کی‌یف برای هدایت نیروها را به جای شهرهای محاصره‌شده در داخل کشور زیر سؤال برده‌اند.

twtr.to/rc3EZ

بازدیدها حاصل شده و احتیاط خاموش رویکرد کلی بوده است، در حالی که آمریکا در هفته‌های آخر مبارزات ریاست جمهوری مشغول شده و بسیاری در اروپا مشتاقانه منتظر دیدن نتایج انتخابات نوامبر هستند. انتظار می‌رود باین روز جمعه به آلمان سفر کند، جایی که اولاف شولتس، صدراعظم گفت که آن‌ها چیزهای زیادی برای گفت‌وگو خواهند داشت. شولتس گفت: «ما باید درک کنیم که چگونه جنگ برای همیشه ادامه نمی‌یابد. هرگز تصمیمی بر سر اوکراین گرفته نخواهد شد.»

کاخ سفید روز چهارشنبه اعلام کرد که باین در تماسی با زلنسکی در ارتباط بوده و به روزرسانی در مورد تلاش‌های آمریکا برای افزایش کمک‌های امنیتی بیشتر به اوکراین ارائه کرده است. مقامات آمریکایی در بیانیه‌ای اعلام کردند بسته جدید ۴۲۵ میلیون دلاری برای اوکراین شامل تسلیحات پدافند هوایی، موشک‌های ضد هوایی، گلوله‌های توپخانه، سلاح‌های ضد زره، هاموی و غیره خواهد بود.

مارک روت، دبیرکل ناتو روز چهارشنبه به خبرنگاران گفت که «از همه عناصر طرح پیروزی بسیار آگاه است و ما در تماس نزدیک با متحدان و اوکراین هستیم تا ببینیم چگونه می‌توانیم گام‌های بعدی را برداریم.»

سال آینده به جنگ روسیه در اوکراین پایان دهد. وی گفت: ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه «باید بپذیرد که محاسبات ژئوپلیتیکی او محکوم به شکست است». روس‌ها باید احساس کنند که تزارشان از نظر ژئوپلیتیکی به جهان باخته است.

دیمیتری پسکوف، سخنگوی کرملین این طرح را رد کرد. او گفت که کی‌یف باید بپذیرد که سیاستش بیپایه است و «هشیار شود و دلایلی را که منجر به این درگیری شده است، درک کند». ماریا زاخارووا، سخنگوی وزارت امور خارجه روسیه، زلنسکی را متهم کرد که ناتو را به درگیری مستقیم با کشورمان سوق داده است.

او گفت: «شرکای رژیم کی‌یف قبلاً نشان داده‌اند که چگونه اوکراین را در معماری امنیتی می‌بینند: آن‌ها اوکراین را در تابوت و شهروندان اوکراینی را نیز در قبر می‌بینند.» ارائه این طرح توسط زلنسکی پس از سفر به آمریکا صورت می‌گیرد، جایی که او آن را با جو بایدن و کامالا هریس و دونالد ترامپ، نامزدهای ریاست جمهوری در میان گذاشت و به پایتخت‌های مختلف اروپایی، جایی که او به سایر شرکای کلیدی خود اطلاع‌رسانی کرد، سفر کرد. با این حال، به نظر می‌رسد که پیشرفت عمومی کمی از این

فان افز / کنت پولای

یک جنگ تمام عیار منطقه‌ای در راه است؟



بسیاری از تحلیل‌گران ناظر درگیری در غرب آسیا هشدار داده‌اند که درگیری‌های کنونی ممکن است تشدید شوند. در حال حاضر، چنین ترس‌هایی بر چشم‌انداز جنگ بین ایران و اسرائیل متمرکز شده است.

البته آن جنگ هم اکنون در جریان است. ایران دو حمله مستقیم به اسرائیل انجام داده است، در حالی که اسرائیل یک حمله را در پاسخ انجام داده است و تقریباً مطمئناً دومین حمله را آماده می‌کند. بیش از نیمی از متحدان و نیروهای نیابتی ایران به اسرائیل حمله کرده‌اند، از جمله در حملات تروریستی. اسرائیل تعدادی از رهبران کلیدی ایران را ترور کرده است و هر دو طرف حملات سایبری انجام داده‌اند.

بنابراین سؤال واقعی این نیست که جنگ بین ایران و اسرائیل چگونه خواهد بود، بلکه این است که درگیری گسترده بین آن‌ها چه چیزی می‌تواند به دنبال داشته باشد. در اصل پاسخ این است: بیشتر از آنچه در حال حاضر اتفاق می‌افتد، فقط با شدت افزایش یافته است. دلیل آن این است که هر دو طرف با موانع مادی و استراتژیک قابل توجهی روبرو هستند که یک جنگ همه‌جانبه خیالی بین آن‌ها را بعید می‌کند.

مهم‌ترین عامل محدودکننده جنگ ایران و اسرائیل فاصله است. این دو کشور مرز مشترکی ندارند. در نزدیک‌ترین نقاط، آن‌ها ۷۵۰ مایل از هم فاصله دارند. اسرائیل تقریباً هزار مایل با تهران فاصله دارد. علاوه بر این، ترکیه، سوریه، عراق، اردن، عربستان و کویت بین آن‌ها قرار دارند. برخی از آن کشورها بیشتر با اسرائیل، برخی با ایران و برخی دیگر با هر دو هم‌سو هستند. دو آناگونیست بالقوه می‌توانند روی کمک برخی از آن‌ها حساب کنند، از نظر اجازه دادن به نیروهای خود برای عبور و ممانعت از نیروهای دشمن، اما نمی‌توانند بیش از این را فرض کنند.

به‌عنوان مثال، عبدالله دوم، پادشاه اردن، متحد کلیدی اسرائیل است، اگر چه ضمنی، اما او بر اکثریت جمعیت فلسطینی حکومت می‌کند که عمدتاً از دولت یهود متفر هستند و میزان حمایت او از اسرائیل را محدود می‌کند. کشور او به اسرائیل کمک کرد تا پهپادها و موشک‌های کرورز ایرانی را که در جریان اولین حمله موشکی ایران به اسرائیل در روز ۱۳ آوریل از خاک این کشور عبور کردند، سرنگون کند، اما آمان مراقب بود که فقط از حریم هوایی خود دفاع کند و این کار را در برابر همه متجاوزان خارجی انجام خواهد داد. به همین

یعنی تجهیزات و ساختمان‌های نظامی، اما نه پایگاه‌های وسیع، چه رسد به شهرها. اگرچه پدافند هوایی ایران عملیات هواگرد باسرنشین اسرائیل را پیچیده می‌کند، اما مسئله بزرگی برای آنان تلقی نمی‌شود. مشکل واقعی برای اسرائیل مسافت خواهد بود. اف-۱۵‌های اسرائیل مطمئناً می‌توانند این پروازها را انجام دهند، اما اف-۳۵‌ها و اف-۱۶‌های پیشرفته آن که بخش عمده نیروی هوایی رزمی آن را نشان می‌دهند، بردی در حدود ۶۰۰ مایل دارند. مهمات دوربرد اسرائیل می‌تواند این رقم را تا صدها بیشتر افزایش دهد، اما هنوز هم برای این هواپیماها حمله به اهدافی در مرکز ایران بدون سوخت‌گیری هوایی کار دشواری است. ایران و اسرائیل هر دو با شرایط استراتژیکی روبرو هستند که دامنه احتمالی درگیری بین آن‌ها را بیشتر محدود می‌کند. ایران نه تنها می‌داند که در جنگ‌های متعارف و حتی غیرمتعارف با اسرائیل با ضرر آشکار می‌جنگد، بلکه ایرانی‌ها معتقدند که اسرائیل مجموعه‌ای از سلاح‌های کشتار جمعی را در اختیار دارد. اگرچه حکومت ایران اغلب به رفتارهای غیرمنطقی متهم می‌شود، اما واقعیت این است که احتیاط قابل توجهی از خود نشان داده و بدون شک به دنبال اجتناب از هرگونه اقدامی است که می‌تواند واکنش گسترده اسرائیل را برانگیزد.

twtr.to/jEIWh

ترتیب، سوریه به‌شدت به ایران وابسته است؛ اما بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه از پدرش آموخت که هرگز با اسرائیل جنگ نکنند، درسی که اسد پس از شکست‌های مکرر در سال‌های ۱۹۶۷، ۱۹۷۳ و ۱۹۸۲ آموخت. در نتیجه، اگرچه ایران می‌تواند نیروها را در سوریه جابجا کند و آن‌ها را در سوریه مستقر کند، اما دمشق تاکنون از انجام حملات عمده‌ای مستقیم علیه اسرائیل از خاک سوریه توسط تهران جلوگیری کرده است، زیرا از ترس اینکه اسرائیل حملات خود را به آنجا گسترش دهد. این محدودیت‌ها در عملیات زمینی به این معنی است که جنبه‌های متعارف یک جنگ گسترده‌تر بین ایران و اسرائیل بیشتر به نیروهای هوایی آن‌ها می‌رسد که در کارهایی که می‌توانند انجام دهند نیز محدود هستند. اسرائیل موشک‌های بالستیک دارد که می‌تواند تمام ایران را در بر گیرد و موشک‌های کرورز و پهپادهایی دارد که می‌توانند از کشتی‌ها و زیردریایی‌ها و احتمالاً از خود اسرائیل این کار را انجام دهند. هیچ‌کس نمی‌داند که اسرائیل چه تعداد از این‌ها دارد، اما تعداد زیادی نیست، احتمالاً در صدها یا هزاران عدد برای هر کدام. همه آن‌ها کلاهک‌های نسبتاً کوچکی دارند، هیچ چیز مانند محموله‌ای که هواگرد باسرنشین می‌تواند حمل کنند، ندارند. این امر باعث می‌شود که آن‌ها برای نابودی اهداف نسبتاً کوچک و با ارزش ایرانی بسیار مفید باشند



کی‌یر استارمر، نخست‌وزیر بریتانیا، پشت درهای بسته دیدار کرد. محور اصلی این گفت‌وگوها شرایط کنونی در غرب آسیا و اوکراین بود. رهبران در این نشست طیف گسترده‌ای از موضوعات از جمله حمایت از اوکراین در برابر تجاوز نظامی روسیه و تحولات سریع منطقه‌ای در غرب آسیا را بررسی کردند.

• مایکل مک کال، رئیس کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان، با ارسال نامه‌ای به جو بایدن، از او خواست تا تحریم‌ها علیه دشمنان آمریکا از جمله جمهوری اسلامی را تحت قانون دوحزی «صلح از طریق قدرت در قرن بیست‌ویکم» به اجرا بگذارد. مک کال می‌گوید: به‌رغم تهدیدهای شدید و فزاینده روسیه، چین و جمهوری اسلامی ایران علیه منافع امنیت ملی آمریکا، دولت بایدن از زمانی که این قانون به تصویب رسیده، هیچ تحریمی را تحت آن اجرایی نکرده است. او در این نامه می‌نویسد: «جهان در آتش است؛ ما نمی‌توانیم حتی یک روز دیگر را با تردید، مماشات و ضعف از دست بدهیم.»

• در توصیه‌نامه مشترکی که سه نهاد امنیتی آمریکا شامل سازمان امنیت ملی (ان‌اس‌ای)، اداره تحقیقات فدرال آمریکا (اف‌بی‌آی)، سازمان امنیت سایبری و زیرساخت‌ها، به همراه چند نهاد امنیتی کانادا و استرالیا منتشر کرده‌اند، درباره خطر عوامل سایبری حکومت ایران علیه چندین زیرساخت حیاتی هشدار داده شده است. این نهاد‌های امنیتی اعلام کرده‌اند که مهاجمان سایبری جمهوری اسلامی با فعالیت‌های مغرضانه، چندین بخش زیرساختی حیاتی از جمله بهداشت، مراکز دولتی، فناوری اطلاعات، مهندسی، و انرژی را نشانه رفته و در معرض آسیب قرار داده‌اند.

• ارتش اسرائیل تایید کرد محمود حمدان که مسئول حفاظت شخصی از یحیی سنوار و نظارت بر ۶ گروگان کشته‌شده اسرائیلی در منطقه تل السلطان بود، روز جمعه کشته شد. ابتدا بر اساس ارزیابی‌های اطلاعاتی گفته شده بود که حمدان، فرمانده گردان تل السلطان حماس چند هفته پیش کشته شده، اما بعداً مشخص شد که این اطلاعات ناکافی بوده و او همچنان به محافظت از سنوار ادامه داده است.

• جو بایدن بر وجود فرصتی برای حل مشکل میان جمهوری اسلامی و اسرائیل و پایان بالقوه درگیری‌های آن‌ها در غرب آسیا تاکید کرد و گفت که از چگونگی و زمان واکنش تلافی‌جویانه اسرائیل به حملات موشکی ایران باخبر است. جو بایدن از ارائه جزئیات بیشتر در این باره خودداری کرد. رئیس‌جمهور آمریکا تصریح کرد که به این ترتیب «درگیری خاتمه می‌یابد و به عبارتی واکنش‌های متقابل به اتمام می‌رسد».

• نجیب میقاتی، نخست‌وزیر لبنان، رویدادهای کنونی را «درسی برای تمام لبنانی‌ها به‌منظور کنار کشیدن از درگیری‌های منطقه‌ای» دانست.

• لوید آستین، وزیر دفاع آمریکا، بر تعهد بلندمدت کشورش و ناتو برای کمک به «اوکراین آزاد و مستقل» تاکید کرد و گفت: متحدان ما در ناتو مانند بسیاری از کشورهای جهان به دفاع از حاکمیت اوکراین و دفاع از خود ادامه می‌دهند.

• سخنگوی شورای امنیت ملی آمریکا با اشاره به گزارش‌هایی مبنی بر حضور سربازان کره شمالی در روسیه برای شرکت در جنگ علیه اوکراین گفت: «این یک تحول خطرناک در جنگ روسیه علیه اوکراین است.» شان ساوت افزود: «ما نمی‌توانیم صحت این گزارش‌ها را تأیید کنیم، اما اگر درست باشد، با متحدان خود در مورد پیامدهای چنین حرکتی تصمیم‌گیری خواهیم کرد. اما آنچه مسلم است، چنین اقدامی نشان‌دهنده استیصال فزاینده روسیه و نشانگر ناامیدی مسکو از پیروزی در نبرد با کی‌یف است.»

• جان کربی، هماهنگ‌کننده ارتباطات راهبردی شورای امنیت ملی کاخ سفید گفت: یحیی سنوار مانع اصلی برقراری آتش‌بس در غزه بود. به گفته او، آمریکا همچنان پایان یافتن جنگ جاری را امری حیاتی و کشته شدن یحیی سنوار را یک «نقطه عطف» می‌داند که می‌تواند موجب تسریع مذاکرات و برقراری آتش‌بس شود. با این حال، کربی افزود: در حال حاضر، جدول زمانی برای ازسرگیری مذاکرات وجود ندارد.

• جو بایدن با اولاف شولتز، صدراعظم آلمان، امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، و

• سی‌ان‌ان اعلام کرد برخی منابع اسرائیلی معتقدند جسد سنوار می‌تواند ابزاری برای چانه‌زنی در مذاکرات آزادی‌گروگان‌ها باشد. هم‌زمان، رسانه‌های محلی گزارش دادند که جسد رهبر حماس در حال حاضر در مکانی مخفی در اسرائیل نگهداری می‌شود. یک منبع دیپلماتیک اسرائیلی گفته می‌آید جسد یحیی سنوار با گروگان‌های اسیر حماس، احتمالاً تنها راه بازگشت بقایای رهبر حماس به غزه است، «در غیر این صورت، جسد او تحویل داده نخواهد شد».

• شبکه خبری سی‌ان‌ان به نقل از یک آسیب‌شناس ارشد در مرکز ملی پزشکی قانونی اسرائیل در تل‌آویو، گزارش داد دکتر جن کوگل که گواهی مرگ سینوار را امضا کرده، گفت در بررسی جسد سنوار، آسیب‌های زیادی در دست راست و پای چپ و ترکش‌هایی در بدن او مشاهده کرده، اما اطمینان دارد که عامل نهایی مرگ، شلیک گلوله به سر رهبر حماس بوده است.

• شبکه خبری «کان» گزارش داد که اسرائیل در اقدامی احتیاطی برای مقابله با واکنش احتمالی جمهوری اسلامی در برابر حمله تلافی‌جویانه دولت یهود، از آمریکا خواسته که دومین سامانه ضد موشکی «تاد» را هم برای این رژیم ارسال کند. وزارت دفاع آمریکا، پنتاگون، روز یکشنبه ۲۱ مهر اعلام کرده بود که یک سامانه ضد موشکی پیشرفته «تاد» را به‌منظور استقرار و بهره‌برداری به همراه گروهی از نظامیان آمریکایی راهی اسرائیل خواهد کرد.

• منابع مطلع می‌گویند که رهبران اسرائیل بعد از کشته شدن جانشین سید حسن نصرالله، همچنین به دنبال دستیابی به دستاوردهای راهبردی بیشتر و فراتر از پیروزی‌های نظامی هستند تا از تغییر چشم‌انداز منطقه‌ای به نفع دولت یهود و محافظت از مرزهای آن در برابر هرگونه حمله آینده، مطمئن شوند. هشت منبع مطلع به رویترز گفته‌اند که با نزدیک شدن به انتخابات آمریکا، اسرائیل برای وارد کردن حداکثر خسارت به حماس در غزه و حزب الله لبنان عجله دارد و تلاش می‌کند پیش از روی کار آمدن رئیس‌جمهور جدید آمریکا در دی ماه، مناطق حائل واقعی‌ای را برای ایجاد شرایطی غیرقابل برگشت ایجاد کند.

صدای آمریکا

حکومت ایران نمی‌داند چه بر سر حزب الله می‌آید

اسرائیل نیز در پاسخ با انجام حملات شدید علیه مواضع این گروه در لبنان و سوریه، علاوه بر کشتن صدها تن از اعضای این گروه مورد حمایت حکومت ایران، رهبر و فرماندهان ارشد نظامی این گروه را از پا در آورد.

تاکنون چندین کشور، از جمله آمریکا، اسرائیل، آلمان، صربستان، لیتوانی، استونی، لتونی و استرالیا کلیت حزب الله را به عنوان یک سازمان تروریستی شناخته شده پذیرفته‌اند.

شناسایی کلیت حزب الله لبنان به عنوان یک سازمان تروریستی به مفهوم تفاوت قائل نشدن میان شاخه سیاسی با شاخه نظامی آن حزب و تروریست شناختن هر دو شاخه این گروه است.

ibit.ly/sqveC

رئیس ستاد مشترک ارتش اسرائیل در ادامه گفت: حزب الله آمار واقعی تلفات از جمله فرماندهان کشته شده خود را پنهان می‌کند، اما بر اساس تخمین‌های «محافظة کارانه» اسرائیل حدود ۱ هزار و ۵۰۰ عضو این گروه کشته شده‌اند. هالوی افزود به باور او تعداد واقعی کشته‌های حزب الله بیش از این است. او با اشاره به تداوم تسلیم شدن نیروهای حزب الله در برابر ارتش اسرائیل گفت این اقدام بیانگر روحیه و سطح مبارزه آن‌هاست. از فردای حمله تروریستی ۱۷ اکتبر، حزب الله لبنان به عنوان اصلی‌ترین بازوی نیابتی جمهوری اسلامی نیز به طور یک‌جانبه حملات را کتی و پهبادی خود به شمال اسرائیل را آغاز کرد.

هرتزی هالوی، رئیس ستاد مشترک ارتش اسرائیل، گفت: جمهوری اسلامی ایران اطلاع ندارد که چه بر سر حزب الله به عنوان «اصلی‌ترین بازوی» این حکومت می‌آید.

به گفته هالوی، نیروهای اسرائیلی از زمان تشدید درگیری‌ها با حزب الله توانسته‌اند حدود ۱ هزار و ۵۰۰ عضو این گروه وابسته به حکومت ایران را از پا در آورند. او تصریح کرد که اسرائیل مصمم است سخت‌ترین ضربات ممکن را به حزب الله وارد کند.

هالوی با اشاره به نابودی فرماندهی حزب الله در حملات هوایی اخیر اسرائیل، خطاب به نظامیان اسرائیلی حاضر در جنوب لبنان گفت: «شما هم ساختار فرماندهی محلی [حزب الله] را نابود می‌کنید».

رویترز

نگاهی اجمالی به سه گزینه احتمالی برای جانشینی یحیی سنوار



از دولت بشار اسد موافقت نکرد و به همین دلیل پیشینه روابط او با جمهوری اسلامی ایران دارای اصطکاک است. رویترز به نقل از یک کارشناس فلسطینی گزارش داده که در صورت نرم‌تر شدن موضع حکومت ایران در برابر خالد مشعل، او ممکن است بار دیگر رهبری حماس را در دست بگیرد.

خالد مشعل در حال حاضر به همراه دیگر رهبران حماس در دوحه، پایتخت قطر، مستقر است.

ibit.ly/Fgkfs

نظامی حماس از یکدیگر و انتخاب رهبر جدید از بیرون غزه، امکان انتخاب محمد سنوار به عنوان فرمانده جدید این گروه را کاهش می‌دهد. خالد مشعل: او که ۶۸ سال سن دارد، از بهار سال ۱۳۸۲ به مدت ۱۳ سال رهبر حماس بوده است. این مقام ارشد حماس در تابستان سال ۱۳۷۶ در امان، پایتخت اردن، مورد سوء قصد ناموفق از سوی اسرائیل قرار گرفت. مشعل در دوره رهبری خود با ورود حماس به جنگ داخلی سوریه و حمایت

شد. با این حال، این بار به نظر می‌رسد که رهبری سیاسی و نظامی حماس از هم جدا باشند. در اینجا نگاهی اجمالی به سه گزینه احتمالی برای تصدی رهبری سیاسی حماس انداخته می‌شود. خلیل الحیه: او معاون یحیی سنوار است و بنا بر گزارش‌ها، بیشترین شانس را برای تصدی سمت رهبری حماس دارد. الحیه ۶۳ ساله دستیار اسماعیل هنیه بود و طی یک سال گذشته، از طرف حماس سرپرست مذاکرات غیرمستقیم این گروه با اسرائیل در باره برقراری آتش‌بس و آزادی گروگان‌ها بوده است. بر اساس گزارش‌های منتشر شده توسط رویترز و بلومبرگ، الحیه روابط نزدیکی با جمهوری اسلامی ایران دارد و این مساله در به قدرت رسیدن او تاثیرگذار است. محمد سنوار: او که ۴۹ سال سن دارد، برادر و دستیار اصلی یحیی سنوار بود و اکنون با کشته شدن رهبر حماس انتظار می‌رود نقش بیشتری در شاخه نظامی این گروه بر عهده بگیرد.

با این وجود، کارشناسان بر این باورند که لزوم تفکیک رهبری سیاسی و

به دنبال کشته شدن یحیی سنوار، رهبر حماس، گمانه‌زنی‌ها درباره گزینه‌های احتمالی برای جانشینی او آغاز شده است.

خبرگزاری رویترز با انتشار گزارشی به نقل از چند کارشناس نوشت: احتمالاً رهبر بعدی حماس خارج از غزه باشد و محمد سنوار، برادر یحیی، نقش بزرگ‌تری در درگیری‌های جاری با ارتش اسرائیل در غزه بر عهده بگیرد. حماس در فرایند انتخاب رهبر جدید خود باید منافع حکومت ایران به عنوان اصلی‌ترین پشتیبان خود و قطر، محل استقرار نامزدهای اصلی برای تصدی پست ریاست دفتر سیاسی این گروه را مد نظر قرار دهد.

سنوار که روز چهارشنبه توسط ارتش اسرائیل کشته شد، به دنبال ترور اسماعیل هنیه در روز ۱۰ مرداد ۱۴۰۳ در تهران، رهبری حماس را در دست گرفته بود.

سنوار پیش از تصدی رهبری سیاسی حماس، رهبر نظامی این گروه بود و با کشته شدن هنیه و به قدرت رسیدن او، رهبری سیاسی و نظامی این گروه ادغام



رصد و ترجمه اندیشه‌های آمریکایی مختص مطالعه نخبگان



سوریان
مرکز مطالعات

Sourianc.com